



تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۸۵	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۳ / ۰۵
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم					
عنوان ۲	تفسیر سوره «حمد»					
عنوان ۳	تفسیر آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»					
عنوان ۴	بررسی مالکیت در آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

بررسی مالکیت در آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

بحث ما در آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» بود و تا حدودی به طور مستوفی انجام گرفت. در آخر، عرض کردیم که این مالکیتی که در این آیه مطرح است، هم مالکیت مُلکی است و هم مالکیت مِلکی، و از یک جهت، هم مالکیت در عرصه تکوین است و هم در عرصه تشریع. مالک در عرصه تشریع، همین فرمانروا بودن است؛ یعنی مالک امر و نهی است و مالکیت در عرصه تکوین، این است که تکوین در دست اوست و هر اتفاق، حادثه، تغییر و تبدیلی در این جهان، به امر اوست.

این معنا در آیات کریمه هم بسیار مورد تأکید قرار گرفته که خدا صاحب فرمان مطلق است؛ هم در عالم خلق، هرچه اتفاق می افتد، با اراده اوست و هم در عالم امر و نهی؛ لذا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ادامه همین سیاق آیات پیشین است که فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ با آن توضیحات که دادیم «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ». تا اینجا که مالک یوم الدین است، گویا این سیر عالم آفرینش از آغاز تا روز قیامت، در این سه آیه بیان می شود و اکنون نوبت به این می رسد که گویا آیات سه گانه، آدمی را با همه عالم الوهیت و ربوبیت، از آغاز تا انجام، آشنا می سازد؛ یعنی اکنون که هم رب العالمین است، هم الرحمن الرحیم است و هم مالک یوم الدین است؛ پس «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» به عالم تشریع اشاره دارد و «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» به عالم تکوین. از نظر عالم تشریع، ما تو را عبادت و امر تو را اطاعت می کنیم. تو صاحب امر و فرمانی؛ پس تو را عبادت می کنیم. ضمیر مفعولی «إِيَّاكَ» هم مقدم شده و به جای «نَعْبُدُكَ وَنَسْتَعِينُكَ» قرار گرفته است.

این آیه، دورکن اصلی توحید است؛ هم توحید در عبادت و هم توحید در استعانت که بر آن، تأکید بسیاری شده؛ ولی چون جلسه پایانی درس است، آن را چندان تفصیل نمی دهیم. ولی اگر ان شاء الله، بحث را در سال آینده شروع کردیم، حرف برای گفتن بسیار است؛ مخصوصاً در روایات ما که تأکید شده انسان در زندگی دنیا باید هیچ نگاهی به غیر خدا نداشته باشد و از غیر او کمک نگیرد؛ لذا «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بزرگ ترین تربیتی است که می شود به یک انسان مؤمن داد. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هم تنها تو را پرستش می کنیم؛ یعنی در رفتارهای اختیاری مان، تنها از تو امر می گیریم و برای اینکه همین «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» را انجام دهیم نیز به کمک تو نیاز داریم؛ یعنی حتی در این عبادت، اینکه آدم بداند اگر نماز می خواند، اگر خدا را شکر می گوید و اگر اطاعت می کند، هم مدیون

خداست، یک عرصه بسیار عریض در تعالیم قرآنی و اسلامی و روایات اهل بیت علیهم السلام دارد. هیچ منبع دینی - نه در منابع دینی غیرمسلمین و نه در منابع دینی مسلمین - به اندازه معارف قرآن با تفسیر اهل بیت علیهم السلام نمی تواند مطلب را چنانکه شایسته است، ادا کند. من این را عرض کرده ام و تأکید هم می کنم که هر کلمه ای که از اهل بیت علیهم السلام صادر شده - چه در مقام احکام، چه در مقام اخلاق و اخلاقیات و چه در مقام ادعیه و معارف الهی - همه اش تفسیر قرآن است و اگر کسی تأمل کند، می تواند ربط بین مضامین روایات را با آیات کریمه خوب پیدا کند و بداند که این روایت به کدام آیه، متصل است؛ یا این روایت، تفسیر کدام آیه است.

پرسشگر: ...

معظم له: اگر قائل به صدق باشد. هر قائلی البته اگر قائل به صدق باشد، بله؛ چون همه این معارف در قرآن آمده.

پرسشگر: ...

معظم له: اطمینان که اطمینان کذب نیست؛ بلکه اطمینان صحیح و درست است.

پرسشگر: ...

معظم له: اگر کذیبیت کذب را بیان می کند، آن هم صدق است. اصلاً قرآن «جاء بالحق»^۱ است. چند آیه سوره زمر که می فرماید:
 ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ * فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ الْبَيِّنَاتُ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ * وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۲؛

این چند آیه، مجموعه معارف قرآنی با موضعی که دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر آن حضرت داشتند، همه را خلاصه کرده. رسول اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که «جاء بالصِّدْق»؛ هرچه آورده، صدق است و لذا هر سخن صدق و درستی به شکلی به این گفتار برمی گردد و در مجموعه صدقی که قرآن کریم آورده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام تبیین کرده اند، می گنجد. این، سخنی است که حرف بسیار در آن داریم؛ اما ادامه کلام ما به سال آتی موکول می شود و بحث را در اینجا خاتمه می دهیم؛ شما را به خدا می سپاریم و التماس دعا داریم. اگر عمر و توفیقی بود، ان شاء الله در سال آینده در خدمت شما خواهیم بود.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. سوره صفات: ۳۷.

۲. سوره زمر: ۳۰ - ۳۳.